



زندان های ۱۰ تا ۱۵ سال و ۲۵ نفر به زندان های ۱ تا ۱۰ سال محکوم شدند.^(۶) از میان محکومان به اعدام ۲ نفر از آنها از مرگ نجات یافتند که یکی از آنها مسعود رجوی بود که به حبس ابد محکوم گردید.

در ۳۰ دی ماه سال ۱۳۵۷ با اوج گیری انقلاب اسلامی، مسعود رجوی و ۱۵ نفر دیگر از اعضای سازمان به همراه سایر زندانیان سیاسی از زندان آزاد شدند و نامبرده به عنوان تنها بازمانده مرکزیت سابق، رهبری سازمان را عهده دار و فعالیت خود را از سر گرفت.^(۷)

دموکرات کردستان، جبهه دموکراتیک ملی ایران و برخی دیگر از مخالفان نظام، شورای ملی مقاومت را تشکیل دادند.^(۸) از آن پس، مسعود رجوی به صورت آشکار اقداماتی را برای نزدیکی بیشتر به رژیم عراق انجام داد. تأکید بر نام شط العرب به عوض اروندرود و اعلام تعلق آن به عراق در مصاحبه با مجله الوطن العربی^(۹) و ملاقات با طارق عزیز از جمله این اقدامات بود^(۱۰) که در نهایت به حضور نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در کنار ارتش عراق در جنگ علیه ایران منجر شد.

درباره شکل گیری و اقدامات مختلف منافقین، کتب متعددی نگاشته شده و در خصوص نقش این گروه در جنگ تحمیلی نیز مقالاتی به رشته تحریر درآمده که هر یک، کم و بیش برخی از این عملکردها را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده اند. این مقاله بر آن است تا به طور مشخص و با بیان مصادیق معین به تأثیر اقدامات این گروه بر جنگ تحمیلی بپردازد.

۱) تضعیف ارتش

داشتن یک ارتش قوی، شرط لازم برای دفاع از کشور در مقابل هجوم دشمن خارجی محسوب می گردد. به صورت مختصر می توان گفت یک ارتش زمانی نیرومند

اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، اسلام را به عنوان یک دین کامل برای اداره جامعه و مبارزه با ستمگران قبول نداشتند و در پی ترکیب ارزش های این دین با مارکسیسم بودند.^(۸) البته به همین دلیل بود که ۲ تن از اعضای اصلی آنها به نام های حسین روحانی و تراب حق شناس در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ طی چند جلسه ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) در نجف نتوانستند حمایت ایشان را جلب نمایند.^(۹) در سال های بعد نیز اعضای سازمان مذکور نتوانستند پایگاه درخور توجهی در بین مردم به دست آورند. از این رو اقدامات کورکورانه بر خلاف مصالح کشور در دستور کار آنها قرار گرفت که بارزترین نمونه این رویکرد، اقدامات آنها در جریان جنگ تحمیلی می باشد.

در آغاز جنگ، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) ابتدا تجاوز عراق را محکوم نمود اما پس از چند ماه مسعود رجوی در پیام نوروزی خود تحمیل جنگ به کشور را نتیجه بی کفایتی مسئولین و دخالت در امور دیگران دانست^(۱۰) پس از به وجود آمدن غائله ۳۰ خرداد و عدم موفقیت این گروه در به دست گرفتن امور و عدم حمایت مردم از آنها که به فرار بنی صدر و رجوی از کشور انجامید، آنها در پاریس به همراه حزب

۲) تلاش در جهت جلوگیری از استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران

زمانی که یک کشور مورد هجوم دشمن خارجی قرار می گیرد، لازم است تا کلیه نیروها و امکانات کشور ساماندهی شده و در جهت مقابله با متجاوز به کار گرفته شوند. در چنین مواقعی عواملی نظیر جنگ داخلی، آشوب ها و تشنجات و هر عامل دیگری که سبب شود تا بخشی از قوا و امکانات در داخل کشور صرف شود و از میزان توانایی در مقابله با دشمن خارجی کاسته شود، در حقیقت اقدامی به نفع دشمن خواهد بود و نیروی مهاجم با توجه به اینکه نیروهای خودی درگیر مسائل داخلی هستند، خواهد

توانست به سادگی پیشروی نموده و به اهداف مورد نظر خود دست یابد.

تشنج آفرینی سازمان منافقین در ماه های قبل از جنگ سبب گردید تا ارتش بعثی عراق با فراغت بیشتری به آماده سازی خود برای تجاوز به خاک ایران مشغول شود و بخشی از نیروهای

انقلابی به جای پرداختن به آماده سازی برای مقابله با تحرکات مرزی عراق، به مقابله با منافقین بپردازند که در ادامه به مصادیق موضوع اشاره می شود.

اقدامات منافقین در راستای ایجاد آشوب و عدم استقرار نظام از روزهای اول پیروزی انقلاب و قبل از آغاز جنگ تحمیلی شروع شده بود و پس از آغاز جنگ نیز ادامه یافت. انتقاد به دولت به دلیل مشکلات کشور و متهم نمودن آن به بی کفایتی، حمایت از ناآرامی های قومی و منطقه ای، طرفداری و حمایت از گروه های چپ معارض نظام، تخریب نهادهای انقلابی، جنگ تبلیغاتی علیه نظام، ایجاد نیروهای شبه نظامی و در اختیار گرفتن سلاح و تهدید به مبارزه مسلحانه و

محسوب می شود که دارای تعداد کافی نیروی انسانی کارآزموده، مقدار لازم سلاح و مهمات جدید و پیشرفته، روحیه، نظم و فرمانبری از سلسله مراتب و فرماندهی کارآمد باشد. هر فرد، گروه، سازمان، دستگاه و یا جریانی که سبب گردد تا یک یا چند عامل از عوامل فوق تضعیف گشته یا از بین برود، در حقیقت موجب می شود تا کشور در صورت تهاجم خارجی توانایی دفاع نداشته و ضریب آسیب پذیری آن افزایش یابد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و بلافاصله پس از آن، چندین عامل سبب تضعیف ارتش گردید که یکی از مهم ترین آنها، مواضع و عملکرد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در قبال ارتش بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اعضای سازمان مذکور در فضای به وجود آمده، با ارائه تفسیرهای افراطی از اسلام و شعارها و عملکرد عوام فریبانه و ادعای گرایش به مذهب، توانستند جمعی از نوجوانان و جوانان را جذب نمایند. آنها با استناد به سوابق مبارزاتی خود و با این تصور که انسجام سازمانی و ایدئولوژیکی شان از دیگر نیروهای سیاسی - مذهبی موجود، به ویژه از گروه های عضو هیئت حاکمه جدید، بیشتر است خود را محق ترین و تواناترین گروه برای به دست گرفتن قدرت سیاسی می دانستند. این تصور موجب شد که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از همان آغاز تشکیل نظام جدید، خود را در موقعیت یک بدیل (آلترناتیو) انقلابی برای گروه حاکم ببینند.^(۱۴)

از سوی دیگر بخش های قابل توجهی از ارتش، قبل از پیروزی انقلاب و سایر بخش های آن بلافاصله پس از پیروزی، در خدمت رهبران انقلاب قرار گرفت و موجب قدرتمندی روزافزون آنها گردید. در چنین شرایطی هر اندازه که ارتش تضعیف می شد کار منافقین برای دست یافتن به قدرت سیاسی سهل تر می گردید. برای نیل به این هدف، در اولین قدم، سلاح های موجود در پادگان ها غارت و با استفاده از آنها نیروهای سازمان تجهیز شدند. بعلاوه آنها در فاصله زمانی یک هفته پس از پیروزی انقلاب، در کنار برخی گروه ها از جمله سازمان چریک های فدایی خلق خواستار انحلال ارتش گردیدند.^(۱۵)

اعضای سازمان منافقین،

اسلام را به عنوان یک

دین کامل برای اداره جامعه

و مبارزه با ستمگران

قبول نداشتند و در پی

ترکیب ارزش های این دین

با مارکسیسم بودند

کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس بود، بنی صدر پنهان شده و گروه‌های مختلف از جمله سازمان مجاهدین خلق (منافقین) ضمن اعلام جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی، به حملات مسلحانه و تظاهرات خشونت آمیز پرداختند.^(۱۶) آنها در نظر داشتند قدرت نظامی دولت را تضعیف و در نهایت آن را فرو پاشند در پی این اتفاقات کلیه نیروهای سپاه و کمیته‌ها به مقابله برخاسته و تظاهرات مسلحانه منافقین که از هفت نقطه تهران آغاز شده بود سرکوب گردید.^(۱۷)

اقدامات سازمان مجاهدین خلق (منافقین) موجب درگیری تعداد قابل توجهی از عناصر انقلابی خصوصاً نیروهای سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی در جبهه داخلی گردیده و این ایام دقیقاً همان زمانی است که دشمن مهاجم به دلیل عدم روبرویی با مقاومت جدی، ضمن پیشروی به تحکیم مواضع خود می‌پرداخت.

۳) ترور مسئولین کشور

رهبران فکری و سیاسی و نیز مدیران اجرایی متخصص و متعهد مهمترین سرمایه‌های لازم برای پیشبرد امور جامعه می‌باشند. هر کشوری برای اتخاذ و اجرای سیاست‌های لازم برای رشد و توسعه به آنها نیازمند است. اداره یک کشور حتی در شرایط معمولی کار ساده‌ای نیست حال اگر کشوری در شرایط بحرانی قرار گیرد هر اندازه که آن بحران حادث گردد، اداره کشور مشکل‌تر خواهد شد. جنگ یکی از بزرگ‌ترین بحران‌هایی است که ممکن است گریبان گیر یک ملت و دولت گردد. داشتن رهبرانی که از یک سو با رفع نیازهای روزمره مردم، نظم و امنیت داخلی را برقرار نمایند و با درایت و کاردانی خود اعتراضات مردمی ناشی از کمبودها و مشکلات را به حداقل برسانند و از سوی دیگر با استفاده از طرح‌های مناسب و قابل اجرا نیازهای رزمندگان را در مناطق عملیاتی برطرف نمایند، بزرگ‌ترین نقطه قوت یک کشور در شرایط جنگی محسوب می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین اقدامات سازمان منافقین در تقویت دشمن‌بعثی، ترور نخبگان و مسئولان کشور در

جنگ‌های داخلی از جمله این اقدامات می‌باشد.^(۱۶) بعلاوه می‌توان به تحریم رفراندوم تصویب قانون اساسی که تلاشی در جهت نامشروع جلوه دادن نظام اسلامی و جلوگیری از استحکام آن بود و همچنین نفوذ نیروهای منافق در بین گروه‌های مختلف و دستگاه‌های دولتی و استفاده از آنها در انحراف رقبا از دست یافتن به اهداف و ایجاد تشتت در بین آنها، نیز اشاره کرد.^(۱۷)

در این خصوص به طور مشخص می‌توان به مراسم ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ و درگیری نیروهای منافقین با مردم و همچنین درگیری به وجود آمده در تاریخ ۶۰/۲/۷ آنها با نیروهای دیگری که شعار حزب ا... می‌دادند در جریان برگزاری تظاهراتی در

تهران که در اعتراض به قتل چهار تن از اعضای سازمان در قائم شهر برپا شده بود و تعدادی مجروح و کشته بر جای گذارد، اشاره نمود.^(۱۸)

اصولاً در آن شرایط، درگیری لفظی و فیزیکی بین هواداران سازمان مجاهدین (منافقین) که اکثراً با برپایی مراسم فروش نشریات و کتب خود، زمینه تجمع را

فراهم می‌آوردند با نیروهای مخالف رایج بود و روزنامه‌ها مملو از اخبار این زد و خوردهای سیاسی بود.^(۱۹)

از دیگر اقدامات سازمان (منافقین)، حمایت از برگزاری راهپیمایی در روز ۲۵ خرداد سال ۶۰ در اعتراض به لایحه قصاص که از سوی جبهه ملی تدارک دیده شده بود می‌باشد. بهزاد نبوی که در آن زمان سخنگوی دولت بود در مصاحبه با مطبوعات اعلام نمود، تمام درگیری‌های خیابانی را سازمان مجاهدین سازماندهی می‌کند و آنان به خاطر تشکل نسبی خود قادر به ادامه این درگیری‌ها می‌باشند.^(۲۰)

نهایتاً در روز ۳۰ خرداد سال ۶۰ که روز طرح عدم

اقدامات سازمان منافقین

موجب درگیری تعداد قابل

توجهی از نیروهای انقلابی

در جبهه داخلی شد و در این

ایام، دشمن ضمن پیشروی به

تحکیم مواضع خود پرداخت

نسبت به بهبود اوضاع به نفع خود اقدام نمایند. جمع آوری و به روز سازی اطلاعات در خصوص نیروهای خودی با توجه به اشرافیت و در اختیار بودن نیروها، تجهیزات و منطقه استقرار کار ساده‌ای می‌باشد، لکن جمع آوری اطلاعات درباره دشمن بسیار مشکل است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نیروهای سازمان مجاهدین (منافقین) در جمع آوری و انتقال اطلاعات به ارتش بعثی، به صورت گسترده فعالیت می‌کردند و این اقدامات نقش مهمی در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های نظامی دشمن داشته است. مطابق اعلام محمد حسین سبحانی که در گذشته از مسئولین اطلاعات و امنیت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بوده، استخبارات عراق از طریق مهدی ابریشم‌چی، پرسش‌های اطلاعاتی مورد نیاز ارتش عراق را در مورد شناسایی محل پل‌ها، تأسیسات آب و برق، کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی و نظامی ایران با سازمان مطرح می‌نمود و ستاد اطلاعات سازمان پس از انجام کار اطلاعاتی، پاسخ آنها را تهیه کرده و در اختیار آنان می‌گذاشت.^(۲۵)

اطلاعات مورد نیاز در جنگ را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول اطلاعاتی که مستقیماً مربوط به عملیات نظامی نبوده اما به وسیله آن می‌توان قدرت حریف را برای اداره جنگ ارزیابی کرد و دسته دوم اطلاعاتی که مستقیماً به عملیات نظامی مربوط می‌باشد.

۱-۴) اطلاعات مربوط به سرنوشت جنگ

هدف از به دست آوردن این اطلاعات، ارزیابی توانایی و انگیزه دشمن برای ادامه جنگ می‌باشد. به بیان دیگر در صورتی که طرفین جنگ از نظر توان عملیاتی از شرایط نسبتاً برابری برخوردار باشند و انجام عملیات در جبهه‌ها به سادگی امکان‌پذیر نبوده و به عبارتی به بن‌بست رسیده باشد طرفی که در بلند مدت توانایی تجهیز امکانات و در صحنه نگه داشتن مردم را داشته باشد، برنده محاصره خواهد بود. برای انجام دادن این ارزیابی، به دست آوردن اطلاعات در خصوص موارد زیر الزامی است:

آن شرایط زمانی بود. این سازمان در هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰ توسط یکی از اعضایش به نام کلاهی، دفتر حزب جمهوری اسلامی را در حالی که اکثریت اعضا در آنجا حضور داشتند منفجر و آیت‌الله دکتر بهشتی و هفتاد و دو تن از مقامات کشور را که بسیاری از آنها نقش عمده‌ای در پیروزی انقلاب و اداره کشور داشتند به شهادت رساند.

در روزهای بعد نیز ترور نیروهای پاسدار، حزب اللهی و طرفدار خط امام در شهرها تشدید شد. همچنین در چندین عملیات تروریستی حجت الاسلام شریعتی فرد، رئیس پادگان گیلان، دکتر آیت (از اعضای مرکزی حزب جمهوری اسلامی)، آیت‌الله مدنی امام جمعه تبریز، واسقی نژاد (رهبر حزب جمهوری اسلامی در خراسان)، آیت‌الله دستغیب امام جمعه شیراز، تقی بشارت عضو مجمع محققان، آیت‌الله احسان بخش امام جمعه رشت، آیت‌الله صدوقی امام جمعه یزد، آیت‌الله اشرفی اصفهانی امام جمعه کرمانشاه و آیت‌الله قدوسی دادستان کل کشور، از جمله ترور شدگان بودند که برخی از این ترورها ناموفق بود. همچنین در ۸ شهریور سال ۱۳۶۰، دفتر نخست‌وزیری منفجر شد که به کشته شدن رجایی و باهنر، رئیس جمهور و نخست‌وزیر جدید، که هنوز بیش از یک ماه از قبول مسئولیت آنها نگذشته بود، انجامید. این انفجار توسط یکی از عناصر نفوذی سازمان مجاهدین (منافقین) به نام کشمیری انجام شد.^(۲۳)

ترور نیروهای انقلاب در سال‌های بعد نیز ادامه یافت و سازمان منافقین با این قبیل اقدامات، توانایی خود را به رخ سازمان اطلاعاتی عراق می‌کشید و به بهانه گسترش این اقدامات، امکانات گسترده تری را از عراقی‌ها درخواست می‌کرد.^(۲۴)

۴) جمع آوری اطلاعات و جاسوسی به نفع دشمن

اطلاعات مبنای تصمیم‌گیری‌ها و یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی در جنگ‌هاست. هر یک از طرفین محاصمه که شناخت کامل و دقیق تری در خصوص وضعیت خود و طرف مقابل داشته باشند، در صورت تحلیل درست و بهره‌برداری مناسب از آن، می‌توانند

عقب راندن دشمن تا مرزهای بین المللی، ارایه این اطلاعات غلط از سوی منافقین به عراقی ها بوده است. عمده ترین دلیل این اطلاع رسانی غلط، صرف نظر از اینکه منافقین به دلیل جدایی از بدنه ملت، هیچ گاه درک درستی از خواسته ها و انگیزه های مردم نداشتند، این است که سران سازمان منافقین با ارائه اطلاعات غلط به رژیم بعثی عراق صرفاً به دنبال ادامه جنگ بودند زیرا می دانستند که در صورت پایان یافتن جنگ، آرزوی شان برای ساقط نمودن نظام جمهوری اسلامی برای همیشه رنگ خواهد باخت. بنابراین امید دادن به نیروهای خودشان و طرف عراقی در خصوص تحلیل رفتن توان کشور و مردم ایران برای ادامه جنگ، امیدشان را برای کسب قدرت سیاسی زنده نگه می داشت.

۲-۴) اطلاعات مربوط به سرنوشت عملیات نظامی

برای انجام یک عملیات نظامی چه از نوع آفندی و چه از نوع پدافندی، اطلاعاتی به شرح زیر در خصوص دشمن مورد نیاز می باشد:

۱. تعداد نیروهای دشمن؛
۲. وضعیت نیروهای دشمن از نظر روحیه، انضباط، فرمانبری از فرماندهان، میزان و نوع آموزش و کارایی آنها؛
۳. تجهیزات دشمن از نظر نوع، مقدار، دقت شلیک، قدرت تخریب، برد، سرعت و امکان جابه جایی آنها و...؛
۴. منطقه استقرار، موانع طبیعی موجود و نوع استحکامات و موانع احداثی و راه های دسترسی به آن؛
۵. تحرکات دشمن برای انجام عملیات و زمان آن؛
۶. میزان کارایی و توانایی فرماندهان؛ و
۷. مهمترین نقاط آسیب پذیر.

جمع آوری اطلاعات در خصوص موارد فوق الذکر و جاسوسی به نفع دشمن در طول جنگ تحمیلی، به شیوه های مختلفی توسط سازمان منافقین انجام می شد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

الف) ایجاد شبکه شنود در جبهه ها: منافقین از ابتدای شروع جنگ اقدام به شنود مکالمات واحدهای نظامی

الف. میزان توانایی دولت حریف برای ادامه جنگ که به طور کلی شامل توانایی در تأمین بودجه مورد نیاز برای جنگ، تولید یا خریداری سلاح و مهمات و سایر امکانات، آماده سازی و آموزش نیروهای انسانی و حل مشکلات اجتماعی ناشی از جنگ می باشد.

ب. میزان انگیزه مردم کشور حریف برای ادامه جنگ. بررسی ها نشان می دهد که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به دلیل عدم آشنایی با روحیات مردم و شرایط جامعه ایران، اطلاعات نادرستی از میزان توانایی دولت جمهوری اسلامی ایران و انگیزه مردم برای ادامه دفاع مقدس به رژیم عراق ارائه نموده است و همواره وانمود کرده که شکاف چشمگیری بین مردم و مسئولین ایجاد شده و پس از مدتی با جدایی مردم از دولت، سقوط نظام حتمی خواهد بود. در این خصوص می توان به گفتگوی مسعود رجوی و یکی از نیروهایش در جلسه هماهنگی عملیات فروغ جاویدان (روز جمعه مورخ ۶۷/۴/۳۱) اشاره نمود. در این جلسه، مسعود رجوی مطالبی در خصوص حمایت مردم بیان می کند و سپس نیروی مورد نظر که یک زن می باشد چنین می گوید:

«... اینکه می گوئید مردم با ما هستند فکر نمی کنم چنین باشد. من و شوهرم چند شب قبل، از خارج آمده ایم و خود من ۴ ماه است که از ایران آمده ام، مردمی که من دیده ام با آنچه که شما می گوئید تفاوت دارند. فکر نمی کنم آنها به ما کمک کنند. هیچ گونه جو سیاسی نظیر آنچه شما به آن اشاره می کنید در ایران به وجود نیامده است. چون خیلی ها در ایران هستند که حتی رادیو مجاهد را گوش نمی دهند...»

مسعود رجوی می گوید: «درست می گویی و درست صحبت کردی ولی من الان تو را قانع می کنم این نظر تو به چهار ماه پیش بر می گردد و الان ایران خیلی فرق کرده است»^(۲۶)

قدر مسلم سازمان منافقین این تحلیل ها و اطلاعات نادرست را به ارتش بعثی نیز منتقل می نمود و بنابراین می توان گفت یکی از مهم ترین دلایل حمله عراق در پایان جنگ (پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران) و پیشروی آن تا فاصله ۳۰ کیلومتری خرمشهر و سپس مقابله نیروهای خودی و

مدارک به دست آمده از یک خانه تیمی کشف شده در آبان ماه سال ۱۳۵۹ در شهر آبادان می باشد که این مدارک حاوی اطلاعات قابل توجهی در خصوص نیروهای ارتش از جمله نقشه مقرر سلاح های سنگین و محل دقیق مناطق عملیات جنگی بوده است.^(۳۰)

جمع آوری اطلاعات نیروهای خودی توسط افراد و گروه های غیر مسئول به جز جاسوسی به نفع دشمن، هیچ دلیل دیگری ندارد و این موضوع به خوبی نشان دهنده ارتباط این سازمان با رژیم بعثی عراق از همان آغاز جنگ تحمیلی می باشد.

ج) تخلیه اطلاعات اسرای ایرانی: مطابق اعلام علی اکبر راستگو، که در گذشته از

سران منافقین بوده است، یکی دیگر از اقدامات آنها کسب اطلاعات از نیروهای بود که به اسارت در می آمدند.^(۳۱) نیروهای سازمان منافقین به دلیل به دست آوردن اطلاعات اولیه از طریق شنود بی سیم نیروهای خودی و اشراف نسبی به اطلاعات نظامی مناطق جنگی و نیز تسلط به

**سران سازمان منافقین
با ارائه اطلاعات غلط
به رژیم بعثی عراق،
صرفاً به دنبال ادامه
جنگ بودند**

زبان فارسی در تخلیه اطلاعاتی اسرا بهتر از نیروهای عراقی عمل می کردند. آنها با شکنجه اسرا، اخبار و اطلاعات شان را تا حد امکان تخلیه و به سرویس اطلاعاتی ارتش عراق منتقل می نمودند.

د) تخلیه تلفنی: تخلیه تلفنی به معنی کسب اطلاعات با استفاده از تلفن می باشد و یک روش آسان، ارزان و بی خطر برای انجام جاسوسی محسوب می گردد. این روش با استفاده از تکنیک های مختلف به اجرا در می آید و میزان موفقیت آن بستگی کامل به مهارت فرد تخلیه کننده و سهل انگاری و حسن نیت بی جای فرد تخلیه شونده دارد.

نوارهای مربوط به مذاکرات سران گروهک نفاق با

کشور می نمودند. در این خصوص می توان به استراق سمع از طریق یک دستگاه بی سیم مسروقه سپاه پاسداران در یک خانه تیمی واقع در شهر آبادان اشاره کرد که در آبان ماه سال ۵۹ با کشف این خانه تیمی بر ملا گردید.^(۳۲) لیکن این قبیل اقدامات آنها پس از استقرار در خاک عراق و با کمک های تجهیزاتی رژیم بعث به شدت گسترش یافت که در این خصوص می توان به ایجاد شبکه شنود در جبهه های جنگ اشاره نمود.

افراد شاغل در این شبکه، به منظور کسب اطلاعات نظامی ایران، اقدام به شنود شبکه های بی سیمی و مخابراتی می کردند. آنها به دلیل تسلط کامل به زبان فارسی، گویش ها و لهجه های محلی و آشنایی با فرهنگ اقوام مختلف کشور، اقدام به رمز گشایی پیام های ارسال شده از طریق وسایل مخابراتی می کردند. این پیام های کشف شده از طریق اعضای ارشد گروهک از جمله مهدی ابریشم چی در اختیار نیروهای بعثی قرار می گرفت.^(۳۳) با توجه به این که در مناطق جنگی معمولاً اطلاعات مهم مربوط به عملیات نظامی از جمله نقل و انتقال نیرو و تجهیزات و استحکامات، زمان انجام عملیات و... از طریق بی سیم بیان می گردید جمع آوری این اطلاعات نقش عمده ای در آمادگی نیروهای عراق در مقابله با حمله نیروهای خودی داشت.

ب) حضور در جبهه ها به منظور جمع آوری اطلاعات نظامی: اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از همان روزهای نخستین شروع جنگ، پس از ورود به جبهه ها شروع به جمع آوری اخبار و اطلاعات مربوط به یگان های نظامی خودی و تهیه عکس از محل استقرار و استحکامات آنها می کردند که این اقدامات آنها با مخالفت فرماندهان ارتش روبرو می گردید. پس از آن که به رغم تذکرات پی در پی دست از اقدامات خود بر نداشتند، نیروهای ارتش مقرر آنها را محاصره و همه آنها را دستگیر و مدارک و اسناد جمع آوری شده را که شامل اطلاعات مربوط به وضعیت استراتژیک ارتش و موقعیت جبهه ها و برخی اسناد دیگر بود را ضبط نمودند.^(۳۴) نمونه دیگری که حاکی از جمع آوری اطلاعات نظامی توسط افراد سازمان منافقین می باشد،

افسران سرویس های اطلاعاتی عراق که پس از سقوط رژیم بعثی به دست آمده، حکایت از آن دارد که رژیم عراق امکانات مخابراتی گسترده ای در اختیار منافقین قرار داده و آنها با استفاده از این امکانات، تماس های تلفنی متعددی با افراد مختلف در داخل کشور برقرار و به جاسوسی پرداخته اند.

۵) انجام عملیات نظامی علیه کشور در طول جنگ: افراد مسلح گروهک منافقین طی سال ۱۳۶۰ ضربات متعددی از نیروهای نظام اسلامی دریافت نمودند و بسیاری از آنها که در خانه های تیمی مستقر بودند در عملیات مختلف کشته شدند. در نتیجه، باقیمانده این افراد به منظور حفظ جان

خود از سال ۱۳۶۱ به تدریج از کشور خارج و در کردستان عراق مستقر شدند.^(۳۲) در اوایل سال ۱۳۶۵ دولت ژاک شیراک به دلیل بی توجهی مسعود رجوی به قوانین و مسائل امنیتی کشور فرانسه، وی را از این کشور اخراج نمود.^(۳۳) از آن زمان، وی بی نتیجه بودن جنگ شهری را اعلام و راهکار جدید

گروهک در مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی را جنگ مرزی تعیین نمود^(۳۴) و برای نیل به این هدف در تاریخ ۲۹ خرداد سال ۱۳۶۶ تقریباً یک سال بعد از استقرار کامل در خاک عراق، طی پیامی، تأسیس ارتش به اصطلاح آزادبخش ملی را اعلام نمود.^(۳۵) اهم اقدامات نظامی گروهک منافقین پس از این تاریخ عبارتند از:

۱. حمله به یک پایگاه کوچک نظامی در منطقه مرزی چنگوله در نزدیکی شهر مهران در اول مرداد ماه سال ۱۳۶۶.^(۳۶)
۲. حمله به یکی از پایگاه های لشکر ۸۱ زرهی باختران در منطقه سرپل ذهاب با پشتیبانی آتش تهیه ارتش عراق

- در نیمه شب سوم مرداد ماه ۱۳۶۶.^(۳۷)
۳. حمله به پایگاه مربوط به سپاه (تیپ ۵۹ مسلم ابن عقیل) در منطقه گیلان غرب در نهم مرداد ماه ۱۳۳۶.^(۳۸)
۴. انجام عملیات کمین در سر راه نیروهای ارتش در نوار مرزی سورن از توابع شهر بانه در ۲۶ مرداد ماه ۱۳۶۶.^(۳۹)
۵. حمله به دو پایگاه ارتش در منطقه سردشت در تاریخ ۳۱ مرداد ماه ۱۳۶۶.^(۴۰)
۶. حمله به پایگاه ژاندارمری در منطقه موسیان و دهلران در ۱۱ شهریور ۱۳۶۶.^(۴۱)
۷. حمله به یک پایگاه نظامی در سقز در ۱۲ شهریور ۱۳۶۶.^(۴۲)

۸. حمله به یکی از پایگاه های نظامی سپاه در منطقه مهران در ۳۱ شهریور ۱۳۶۶.^(۴۳)
۹. انجام تهاجم در منطقه مرزی فکه به همراه نیروهای ارتش عراق در هشتم فروردین ماه سال ۱۳۶۷ که سازمان منافقین این عملیات را عملیات آفتاب نامید.
۱۰. حمله به مهران و دهلران در ۲۸ خرداد سال ۱۳۶۷ به کمک ارتش عراق که سازمان، این عملیات را چلچراغ نام نهاد.^(۴۴)
۱۱. انجام عملیاتی که از سوی سازمان منافقین، فروغ جاویدان نامیده شد. چون در این عملیات، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با تمام قوا به میدان آمد و تمام توان خود را به نمایش گذاشت در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

در ۲۷ تیر ماه سال ۱۳۶۷ جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد قطع نامه ۵۹۸ را بدون قید و شرط پذیرفته است. رژیم بعثی عراق که این موضوع را نشانه ضعف ایران می پنداشت در تاریخ ۳۱ تیر ماه به خاک ایران حمله و به سوی خرمشهر و اهواز پیشروی نمود. لیکن پس از ضدحمله های پیروزمندانه ایران، ارتش عراق در جبهه های میانی و غرب کشور اقدام به انجام عملیات نظامی کرد که این حملات نیز با مقابله نیروهای خودی ناکام گردید.

هم زمان با این تاریخ یعنی روز جمعه ۱۳۶۷/۴/۳۱ در قرار گاه اشرف جلسه ای برگزار و مسعود رجوی تصمیم خود را برای انجام عملیاتی تحت عنوان فروغ جاویدان و فتح تهران اعلام نمود. تعداد نیروهای مهیا

نیروهای سازمان منافقین در جمع آوری و انتقال اطلاعات به ارتش عراق، به صورت گسترده فعالیت می کردند

برگزیده که نتیجه چنین رویکردی، حرکت در جهت خلاف خواسته های ملت و مصالح کشور بوده است. اصولاً در فرهنگ و باور هر ملتی فارغ از دین و آیین، زبان و ملیت، آن دسته از افراد و گروه هایی که در هنگام مبارزه به کمک دشمن برخیزند، خائن به حساب آمده و مستوجب سنگین ترین نوع مجازات می باشند. ملت ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و با توجه به اینکه مسعود رجوی و یارانش در جریان جنگ تحمیلی، آگاهانه و از روی اختیار از هیچ کمکی به دشمن خودداری نکرده و همواره با استفاده از ابزارهای گوناگون به تضعیف نیروهای خودی پرداخته اند از نگاه ملت ایران، خائن محسوب می شوند.

پر واضح است که این سازمان، حتی در اوج دوران قدرتمندی خود، مانع قابل توجهی در برابر اراده ملت و قدرت و توان نیروهای مسلح کشورمان محسوب نگردیده اند. اما واقعیت این است که آنها در جریان جنگ، شانه به شانه ارتش بعث به روی سربازان و پاسداران مدافع مرزهای کشور آتش گشوده و جمعی از فرزندان برومند این آب و خاک را به شهادت رسانده و خسارات مادی و معنوی قابل توجهی در نتیجه اقدامات آنها به منافع ملی وارد گردیده است.

یادداشت ها

۱. علی اکبر راستگو، مجاهدین خلق در آیین تاریخ، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۴.
۲. همان، ص ۱۵.
۳. جان، دی استمیل، درون انقلاب ایران، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، ص ۳۵۱.
۴. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۴۰۰.
۵. راستگو، پیشین، ص ۱۹.
۶. نجاتی، پیشین، ص ۴۰۶.
۷. راستگو، پیشین، ص ۲۵.
۸. رسول جعفریان، جریان ها و جنبش های مذهبی - سیاسی ایران در سال های ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و

شده برای این عملیات در حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر برآورد شده اند^(۴۵) که این افراد در قالب ۲۵ تیپ، سازمان دهی شده و این تیپ ها برای انجام عملیات در ۵ محور به شرح زیر تقسیم بندی گردیدند.

- ۱) محور اول به فرماندهی مهدی براعی با ۳ تیپ تحت امر برای تصرف شهرهای کرد و اسلام آباد؛
- ۲) محور دوم به فرماندهی ابراهیم ذاکری با ۵ تیپ تحت امر، برای تصرف کرمانشاه؛
- ۳) محور سوم به فرماندهی محمود مهدوی با ۲ تیپ تحت امر، برای تصرف همدان؛
- ۴) محور چهارم به فرماندهی مهدی افتخاری با ۲ تیپ تحت امر، برای تصرف قزوین؛ و
- ۵) محور پنجم به فرماندهی محمود عطایی و معاونت مهدی ابریشم چی با ۱۳ تیپ تحت امر، برای تصرف تهران.^(۴۶)

قبل از شروع عملیات، نیروی هوایی ارتش عراق طی عملیات های مختلف مناطق تجمع نیرو را در اطراف کرد و اسلام آباد بمباران کرد تا راه برای انجام عملیات توسط منافقین هموار گردد در نتیجه، آنها در ساعت ۴ بعد از ظهر تاریخ ۱۳۶۷/۵/۳ وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شدند و از شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، کرد عبور کرده و به اسلام آباد رسیدند و پس از توقف کوتاهی، از اسلام آباد راهی کرمانشاه شدند. لیکن در ۳۰ کیلومتری کرمانشاه در گردنه چارزیر که بعدها به تنگه مرصاد معروف شد با مقاومت رزمندگان اسلام روبه رو شده و متوقف گردیدند. در این درگیری که با بمباران ماشین جنگی سازمان منافقین توسط هوانیروز همراه بود، منافقین با دادن ۱۵۰۰ کشته زمین گیر شدند و از همان جا شروع به عقب نشینی نمودند. البته در برخی منابع، آمار تلفات منافقین تا ۲۰۰۰ نفر نیز ذکر گردیده است.

نتیجه گیری

سازمان منافقین از ابتدای شکل گیری تاکنون، هیچ گاه اقدامات خود را با منافع و خواست عمومی مردم هماهنگ نکرده و همواره چه در نوع تفکرات و دیدگاه ها و چه در عرصه عمل، راه جدایی از راه ملت را

۳۳. همان، ۲۷۸.
۳۴. همان، ص ۲۷۷.
۳۵. همان، ص ۲۸۱.
۳۶. محمود یزدان فام، روز شمار جنگ ایران و عراق، جلد ۵۰ (اسکورت نفت کش ها، دخالت مستقیم امریکا در جنگ، ۳۰ تیر تا ۳۱ شهریور ۱۳۶۶)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۹.
۳۷. همان، صص ۸۹-۸۸.
۳۸. همان، صص ۱۵۹-۱۵۸.
۳۹. همان، ص ۳۴۰.
۴۰. همان، ص ۴۰۱.
۴۱. همان، ص ۵۳۲.
۴۲. همان، ص ۵۴۰.
۴۳. همان، ص ۷۴۰.
۴۴. محمد درودیان، آغاز تا پایان (سالنمای تحلیلی) بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بی تا (تاریخ پیشگفتار: ۱۳۷۶)، ص ۲۰۲.
۴۵. سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام ...، ص ۳۱۹.
۴۶. همان، ص ۳۲۱.
۹. راستگو، همان، ص ۲۶.
۱۰. جنگ تحمیلی در تحلیل گروهک ها، تهران، اداره تحقیقات و بررسی های سیاسی وزارت ارشاد اسلامی، شهریور ۱۳۶۲، ص ۲۷.
۱۱. حمید شوکت، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، گفتگو با مهدی خانابا تهرانی، پاریس: بی تا، بی تا، ص ۵۲۵.
۱۲. منافقین و جنگ تحمیلی، نشریه پیام انقلاب، سال چهارم، شماره ۸۹، ۱ مرداد ۱۳۶۲، ص ۲۶.
۱۳. شوکت، پیشین، ص ۳۵.
۱۴. یحیی فوزی تویسرکانی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، جلد اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴، ص ۴۰۶.
۱۵. همان، ص ۱۹۹.
۱۶. همان، صص ۴۰۹-۴۰۷.
۱۷. همان، ص ۴۱۱.
۱۸. عبدالکریم موسوی اردبیلی، غائله چهاردهم اسفند ۵۹، ظهور و سقوط ضد انقلاب، تهران: انتشارات نجات، ۱۳۶۴، ص ۴۶۷.
۱۹. همان، ص ۶۵۴.
۲۰. فوزی، پیشین، ۴۲۰.
۲۱. همان، ص ۴۲۲.
۲۲. موسوی اردبیلی، پیشین، ص ۷۰۴.
۲۳. فوزی، پیشین، صص ۴۲۷-۴۲۶.
۲۴. سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)، به کوشش جمعی از پژوهشگران مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، جلد ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۵، ۱۹۳.
۲۵. محمد حسین سبحانی، روزهای تاریک بغداد، جلد ۱، کلن، کانون آوا، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۰۴.
۲۶. سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام ...، ص ۳۱۶.
۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۷، ص ۱.
۲۸. سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام ...، ص ۲۶۰.
۲۹. جنگ تحمیلی در تحلیل گروهک ها، ص ۲۶.
۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی، پیشین.
۳۱. راستگو، پیشین، ص ۳۷۹.
۳۲. سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام ...، ص ۲۷۵.